

سردار ملی ایران

روح‌اله اسلامی

رئیس گروه مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی اجتماعی
دانشگاه فردوسی مشهد



کجایی ای ز جان و جا رهیده

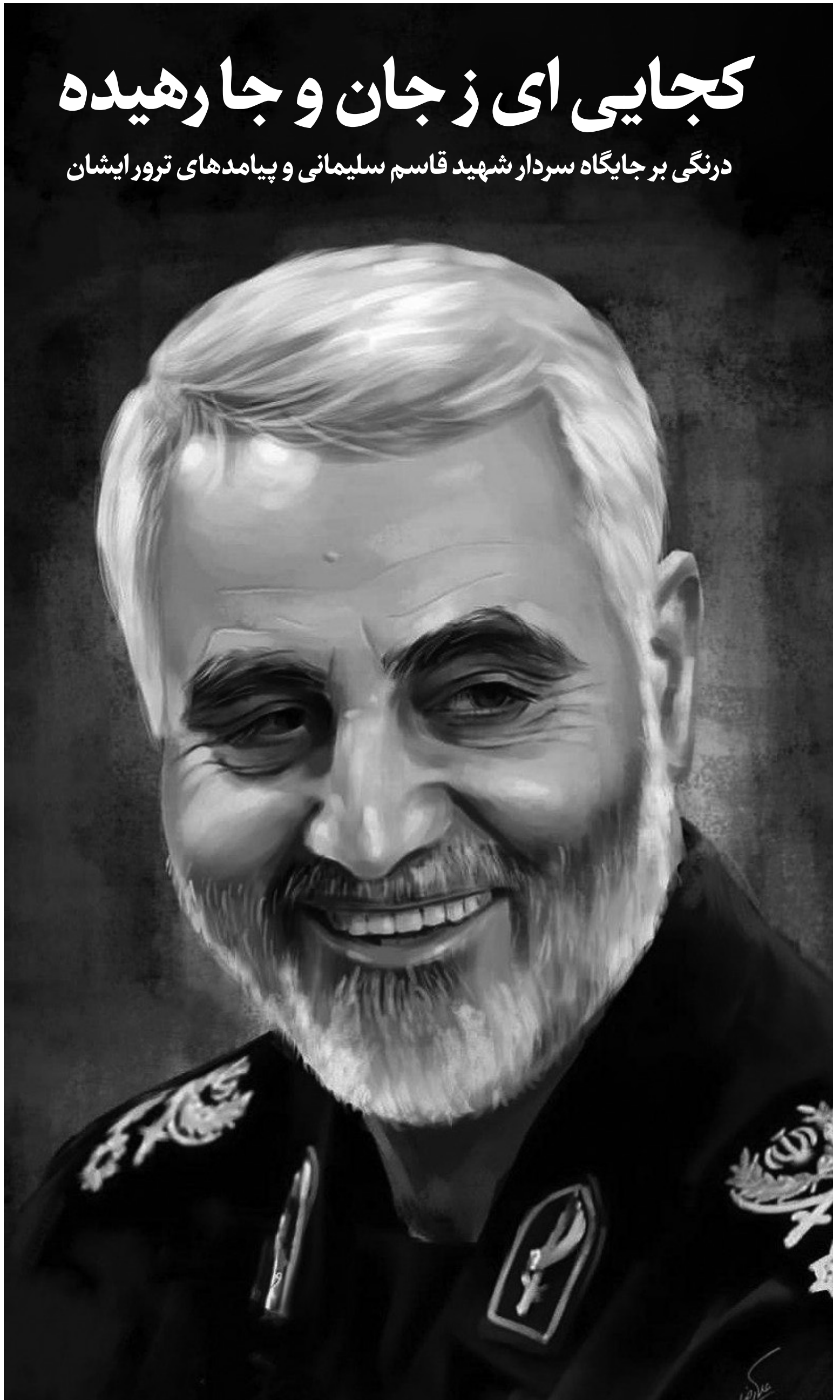
درنگی بر جایگاه سردار شهید قاسم سلیمانی و پیامدهای ترور ایشان

آمریکا پس از جنگ جهانی دوم اقدامات نظامی و سیاست‌های یک‌جانبه و مداخله‌گرانه‌ای انجام داده است که در آن‌ها بدون در نظر گرفتن فرهنگ، سازه‌های جمعی و اعتبار به فکر منافع اقتصادی است. به منطق تجاری و بازی‌های بی‌اعتبار آمریکا، خودشیفتگی ترامپ نیز اضافه گردید که نتیجه آن رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی است که در آن‌ها نشانی از تدبیر سیاسی وجود ندارد. آمریکا آشوب و بی‌نظمی مهارشده ایجاد می‌نماید تا منافع خود را به لحاظ ماندگاری در منطقه و جذب سرمایه‌گذاری ناشی از ایجاد وحشت و ترور افزایش دهد. اغلب کشورهای رانتی و مستبد منطقه که مشروعیت مردمی ندارند و در شرایط دولت ورشکسته هستند بدون حمایت آمریکا توان حفظ قدرت خود را ندارند. به‌محض سقوط طالبان و حزب بعث در افغانستان و عراق هم‌گرایی ایران با همسایگان بیشتر گردید. ایران پیشگام مذاکرات و صلح بین‌الملل شد و با همه اقداماتی که آمریکا و اسرائیل انجام دادند ایران توانست جو حقوقی و دیپلماتیک دنیا را به‌نفع خود تغییر دهد. گفتمان مقاومت و استقلال به رهبری ایران شکل گرفت و کشورهای همسایه، آینده تکیه بر قدرت خارجی را همانند دیکتاتورهای منطقه سیاه دیدند.

توان نظامی ایران با مهارت و فنون راهبردی سردار سلیمانی رو به افزایش نهاد. نبردهای کاملاً شکست‌خورده‌ای که توسط عراق و سوریه در برخورد با داعش به وجود آمده بود توسط ایران تغییر مسیر داد. داعش حرکتی تروریستی، آموزش‌دیده بر اساس استراتژی رعب و وحشت برای احیای خلافت و وحدت جهان اهل سنت در برابر ایران بود. داعش با حمایت اطلاعاتی، مالی، نظامی و دیپلماتیک توانست دولت عراق و سوریه را به مرز سقوط بکشانند و پهنه جغرافیایی وسیعی در اختیار گفتمان خلافت قرار دهد. سوریه و عراق پس از رسیدن به مرحله بحران از ایران تقاضای کمک کردند. ایران به لحاظ مستشاری و سیاست‌گذاری دقیق نظامی و امنیتی هر دو کشور را کمک کرد تا بر نیروهای متعصب ابوبکر بغدادی پیروز گردند. قهرمانی که پایان داعش را اعلام کرد سردار سلیمانی بود که همیشه با لبخند و تواضع نویددهنده آرامش و صلح برای ایران و همسایگان به‌شمار می‌رفت. آمریکا پس از اشغال غیرقانونی افغانستان و عراق و حضور طولانی‌مدت که بحران‌های امنیتی فراوانی در خاورمیانه شکل داده است به صورت آشکاری علیه ایران اقدامات یک‌جانبه و تهاجمی انجام می‌دهد. ترامپ در عرصه سیاست داخلی پس از رأی آوردن استیضاح در کنگره نیاز به اقدامی در محیط بین‌الملل داشت تا به‌وسلیه آن شکست‌های متعدد داخلی و خارجی را پوشش دهد و به صورت غیرقانونی و یک‌جانبه در مغایرت با همه قوانین و قواعد سردار سلیمانی را ترور کرد.

سردار سلیمانی ملی بود به این معنا که اندیشه و کنش او فراتر از جریان‌های سیاسی قرار می‌گرفت. او بالاتر از طبقات، اصناف، احزاب و گروه‌ها و موضوعات دم‌دستی و روزمره قرار می‌گرفت. سلیمانی با توان و جان و دل از ایران دفاع کرد و تا آخرین لحظه برای منافع ملی ایران آرام نگرفت. دیدگاه راهبردی داشت و با هوش زیاد می‌توانست نبردها را به‌نفع نیروهای مقاومت تغییر دهد. سردار اعتقاد داشت که اگر در منطقه با دشمنان وحشی و عقب‌مانده و با کشورهای تروریستی نجات‌بخش از مرزهای ایران عبور خواهند کرد. ادب، شجاعت و خرد راهبردی سردار سلمانی را حتی دشمنان او ستایش می‌کردند. در راستای وظیفه امنیت و فعالیت‌های نظامی همیشه با ساختار سیاسی داخله و خارجه ایران هماهنگی کامل داشت و تواضع و ادب، سلیمانی را تبدیل به سرداری ملی با چهره‌ای کاریزماتیک ساخته بود. این جنبه باعث گردید که در بحران‌های سوریه، افغانستان و عراق هر گاه مشکلی به لحاظ راهبردی یا حکمیتی پیش می‌آمد از سلیمانی دعوت می‌گردید تا گره کور را باز کند. سردار سلیمانی بازوی نظامی و امنیتی برای عمق استراتژیک ایران و چنان محبوب و کارآمد بود که اطمینان همه شهروندان محسوب می‌گردید. او پیش‌گام سربازان خویش و فدائی پروانش بود به نحوی که همیشه در خط مقدم بود.

در شرایط فعلی نیز دولت-کشور ایران همانند گذشته نخبگانی ملی و سیاست‌مدارانی راهبردی دارد که می‌توانند کشور را حفظ کنند و منافع ملی را در بحران‌های منطقه نگاه دارند. سردار سلیمانی الگوی خرد، تواضع، ادب، شجاعت، هوش راهبردی و تلاش برای کشور بود. هر گونه بی‌ادبی، تعصب، نابخردی، نداشتن حسن تعلق به کشور و ملت عامل تضعیف همبستگی ملی و ایجادکننده شکاف‌های اجتماعی و سیاسی برای ایران است. هر یک از ما وظیفه داریم برای امنیت، توسعه، آبادانی و سرفرازی ایران تمام توان و جان خویش را قرار دهیم. باید هم‌چون سردار سلیمانی از خانه خویش دفاع کنیم چراکه هیچ کشوری به استقلال و شکوه دست نیافته است مگر آن‌که شهروندانی با تمام جان از کشور و ملت دفاع کرده باشند.



نگاه ویژه

دوهفته‌نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ادبی / سال پنجم / شماره شصت و هفتم / نیمه اول دی ۱۳۹۸



پمپئو مایوس از واکنش اروپا به ترور سردار سلیمانی

وزیر امور خارجه آمریکا پس از اقدام دولت این کشور در ترور سردار سلیمانی، از واکنش سرد اروپایی‌ها به این اقدام تروریستی انتقاد و در عوض، از واکنش برخی اعراب منطقه به این اقدام جنتانکارانه ابراز رضایت کرد. به گزارش ایرنا، مایک پمپئو در گفت‌وگو با شبکه آمریکایی فاکس نیوز گفت که در ماجرای ترور سردار سلیمانی، کشورهای انگلیس، فرانسه و آلمان به اندازه کافی از این اقدام آمریکا حمایت نکرده‌اند. پمپئو ضمن تحسین واکنش برخی متحدان آمریکا در منطقه خلیج فارس با این اقدام تروریستی، واکنش اروپایی‌ها را غیرقابل مقایسه با واکنش شرکای واشنگتن در منطقه از جمله اسرائیل، عربستان و امارات عربی متحده دانست. پمپئو گفت: من ساعت‌ها با شرکایمان در منطقه خاورمیانه مشورت کردم و به آن‌ها اطلاع دادم که ما چه کردیم و چرا این کار را انجام دادیم. من جویای یاری آن‌ها شدم. همه آن‌ها عالی بودند. اما گفت‌وگوهای من با شرکایمان در دیگر نقاط (اشاره به شرکای اروپایی) اصلاً خوب نبود.

معادلات سیاسی خاورمیانه پس از ترور سردار سلیمانی

کرد. از لحاظ سیاسی و نظامی، هیچ توجیه عقلانی برای این ترور نمی‌توان پیدا کرد، زیرا سلیمانی در زمان ترور تنها شخصیتی ملی به حساب نمی‌آمد؛ بلکه میزان نفوذ وی در منطقه خاورمیانه از او شخصیتی محبوب و اثرگذار ساخته بود. اما تصور آمریکا از ترور سردار سلیمانی احتمالاً این بوده است که با شدت عمل می‌تواند نیروهای حامی ایران در منطقه را در موضع انفعال قرار دهد. ریشه این انفعال را باید در مناسبات تجاری و اقتصادی میان دولت عراق و آمریکا از یک سو و اسرائیل، عربستان، امارات و... از سوی دیگر درک کرد. اما نکته اساسی در این معادله این است که گروه‌های شبه‌نظامی که ذیل جریان مقاومت شناخته می‌شوند، هیچ رابطه ساختاری‌ای از لحاظ اقتصادی و البته وابستگی به بدنه قدرت نهادینه ندارند. این ویژگی باعث می‌شود تا این نیروها با آزادی عمل بیشتر و براساس وابستگی‌های ایدئولوژیک رفتار کنند. به‌طور مثال، فشارهای چند ماهه اخیر آمریکا برای متقاعدسازی حکومت عراق در انحلال حشد شعبی در جایی نرسید و در نهایت منجر به ادغام در بدنه نیروهای نظامی شد. بی‌شک اقدام اخیر آمریکا سبب قدرت روحی مضاعف برای هواداران جریان مقاومت در منطقه می‌شود.

معادلات قدرت پس از ترور سلیمانی در خاورمیانه

امروز معادلات قدرت در منطقه خاورمیانه به دو بلوک شفاف تبدیل شده است. این دو بلوک از فرآیند مواجهه نیابتی به رویارویی علنی تغییر رهیافت خواهد داد. برای درک صحنه مواجهه سیاسی در منطقه به این مثال توجه کنید: دو بوکسور قدرتمند با تکنیک‌های ورزشی خاص خود در رینگ قرار دارند. دقایق عرض‌یابی دوحریف از یکدیگر در ابتدای مسابقه امروز به پایان رسیده است و دو طرف از توان هم مطلع شده‌اند. در ادامه به سبب توازن قدرت و هم‌سطحی چابکی ورزشی، صحنه بازی به صورت «زدی ضربی، ضربی نوش کن» تبدیل شده است. یعنی هر یک از ورزشکاران بوکس در رینگ در لحظه‌ای ضربه‌ای وارد می‌سازد که باعث شوک به طرف مقابل می‌شود. اما ورزشکار مقابل، پس از لحظاتی به خود می‌آید و با استفاده از غفلت طرف مقابل از تاکتیکی جدید استفاده می‌کند و ضربه محکم‌تری را به او وارد می‌سازد. شرایط مواجهه میان ایران و آمریکا در منطقه خلیج فارس اکنون به این صورت درآمد است. در این معرکه

براین اساس دستگاه‌های امنیتی و نظامی غربی و اسرائیل اورادنیال می‌کردند تا مورد هدف قرار دهند. اما موقعیت ملی و منطقه‌ای سردار سلیمانی این اجازه را به آمریکا و یا اسرائیل نمی‌داد تا با او از در برخورد نظامی برآیند. حال سؤال‌های مهمی در جریان ترور سردار سلیمانی مطرح می‌شود که عبارتند از این که چرا و به چه دلیل آمریکا این بار درصد ترور سردار سلیمانی برآمد؟ آیا آمریکا با توجه به موقعیت ملی و منطقه‌ای سردار سلیمانی از عواقب این ترور آگاه است؟ آمریکا چه هدفی را از افزایش سطح نزاع در منطقه خلیج فارس دنبال می‌کند؟

اهداف آمریکا از ترور سردار سلیمانی

آمریکا با حضور ایران قدرتمند در عرصه سیاست بین‌الملل، با قدرتی روبه‌رو شده که برای نخستین بار هژمونی آمریکایی را در منطقه خاورمیانه به چالش کشیده است. اما حضور ایران، همواره با نوعی احتیاط از جانب آمریکا همراه شده است. آمریکا هیچ‌گاه درصد افزایش سطح نزاع از طریق مواجهه مستقیم نبوده است؛ لذا جز مواردی محدود در زمان جنگ ایران و عراق، ایران و آمریکا نزاع خود را به سطح مواجهه مستقیم افزایش ندادند. اما این سیاست با روی کار آمدن ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا شکسته شد. یعنی با خروج ترامپ از برج‌ها، سیاست مواجهه مستقیم با ایران را در پیش گرفت. بی‌شک افزایش این سطح نزاع با اهدافی چند از سوی آمریکا پیگیری می‌شود. هدف نخست کاهش قدرت ایران، کاهش نفوذ ایران در میان کشورهای منطقه، سقوط حکومت ایران و... است. این اهداف سیاسی، نیات اقتصادی را نیز به همراه دارد. با روی کار آمدن ترامپ، سیاست بهره‌برداری اقتصادی از توان نظامی آمریکا مد نظر قرار گرفت. این سیاست با این نگرش همراه است که آمریکا از لحاظ اقتصادی در نقطه خودکفایی انرژی قرار گرفته و خود به صادرات انرژی مبادرت ورزیده است. حال کشورهای تولیدکننده انرژی منطقه خلیج فارس برای تأمین امنیت صادرات باید هزینه آن را پرداخت نمایند. لذا با تحریم ایران از سوی آمریکا، رویارویی با آمریکا در سطح منطقه‌ای به صورت حمله‌های ضربی از سوی حامیان ایران نمود یافت. آن‌چه در این چند ماه رخ داده، این است که طرف‌های درگیر با گام‌های تلافی‌جویانه، نزاع را در بالاترین سطح خود قرار دادند؛ تا این که آمریکا، اقدام به ترور ناخبرانه سردار سلیمانی

محمد عثمانی

دکتری علوم سیاسی ۹۶



نمادها و نشانه‌ها در کشورهای شرقی مؤلفه فرهنگی‌ای هستند که باعث اتحاد در یک جامعه می‌شوند. حال اگر این نمادها در قامت فرد انسانی نمود یابد، بود یا نبود آن شخصیت، مسئله نیست؛ بلکه کارویژه آن نماد در عرصه مناسبات اجتماعی مورد توجه است. در این رویکرد نمادها در جایگاهی فراتر از موقعیت‌های سیاسی و اقتصادی در جامعه می‌نشیند که باعث مقبولیتی عمومی در جامعه می‌شود. از این رو در شرایط بحرانی در عرصه داخلی یا خارجی، کارکرد مشروعیت‌ساز و مقبولیت‌پذیر را می‌توان از این نمادها توقع کرد. نمادها قدرت فوق‌العاده اثربخش و نیز متحدکننده دارند. این ویژگی‌ها راهی به نجات از بحران را فراهم می‌آورد. سردار سلیمانی از جمله این نمادها و نشانه‌های اثربخش اجتماعی در جامعه ایرانی و منطقه خاورمیانه بود. وی این قدرت نمادین خود را از موفقیت‌ها و پیروزی‌های برآمده از میدان نبرد کسب کرده است. جوانی انقلابی و فاقد تجربه چندان با انکاء به نیروی ایمان و روحیه‌ای انقلابی در ابتدای جنگ به فرماندهی لشکر کرمان می‌رسد. اما سردار موقعیت امروزین خود را در فردای پس از جنگ در قالب فرماندهی سپاه قدس به دست می‌آورد. سپاه قدس با مأموریت‌های برون‌مرزی، درصد اجرای آن اصلی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که حکومت را موظف به دفاع از مظلوم کرده است، برمی‌آید. همراهی با مردم فلسطین و ایستادن در کنار مقاومت لبنان، از قاسم سلیمانی شخصیتی اسطوره‌ای و مرد روزهای سخت مبارزه ساخت. این شخصیت در زمان بحران لبنان در جنگ ۳۳ روزه، اسطوره شکست‌ناپذیری ارتش اسرائیل را در اذهان عمومی مسلمانان شکست و همچنین در میدان مبارزه با داعش مورد ارزیابی جهانی قرار گرفت. وی با درایت و تیزبینی راهبردی، این میدان نبرد را با اتحاد نیروهای سیاسی شیعه و سنی در عراق و سوریه به پیروزی تبدیل کرد. این پیروزی‌ها و موفقیت‌های در میدان نبرد، او را در جایگاهی والا و مورد قبول ملی و بین‌المللی قرار داد. سردار سلیمانی به فردی بدل شد که توانست هژمونی غرب و اسرائیل را به چالش بکشد.

منزعه شدید یا خروج؟



سید احمد فاطمی نژاد

استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه فردوسی مشهد



بامداد جمعه ۱۳ دی سردار سلیمانی یکی از مشهورترین فرماندهان نظامی ایران به همراه همراهانش در مسیر فرودگاه بغداد هدف حملات موشکی آمریکا قرار گرفتند. این حرکت طی روزهای اخیر سرتیتر خبرگزاری‌های بزرگ جهانی و داخلی بوده است. ابعاد این اتفاق و پیامدهایش آن قدر اهمیت دارد که تحلیلگران و مفسران متعدد از منظرهای گوناگون به آن پرداخته‌اند. عده‌ای به چرایی این رخداد پرداخته‌اند؛ گروهی به انگیزه‌های ترامپ از این کار توجه کرده‌اند؛ برخی واکنش احتمالی ایران را ارزیابی کرده‌اند؛ و... اما پرسش بنده در این یادداشت به پیامدهای این واقعه بر منازعه ایران و آمریکا و نظم خاورمیانه برمی‌گردد. به عبارت دیگر، ترور سردار سلیمانی چه پیامدی برای منازعه ایران و آمریکا خواهد داشت و این امر چه تأثیری بر نظم خاورمیانه خواهد گذاشت؟

اگر بخواهیم به پرسش بالا پاسخ دهیم باید به سناریوهای احتمالی در روزهای آتی توجه کنیم: اولین سناریو این است که ایران همان‌گونه که مقامات و سران آن تأکید کرده‌اند به دنبال انتقام سخت باشد. ترامپ نیز پس از رصد دیدگاه ایران، تهدید به واکنش سخت‌تر و حمله به ۵۲ نقطه ایران کرده است. اگر هر یک از این‌ها رخ دهد، نتیجه کاملاً مشخص است: جنگ، درست است که هم ایران و هم آمریکا تأکید کرده‌اند که به دنبال جنگ نیستند اما هم‌زمان تصریح داشته‌اند که اگر ناچار شوند از جنگ هراسی ندارند. تا پیش از این اغلب تحلیل‌ها به این سمت بود که ترامپ نمی‌خواهد در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا خود را درگیر جنگ کند. اما وقایع روزهای اخیر اتفاقاً نشان می‌دهد که گویی ترامپ چندان هم از یک جنگی که او را از معضلات داخلی ناشی از استیضاح رها کند ناراضی نیست. مجموع این موارد فضا را به شدت تیره و نار و جنگ‌آلود می‌کند. دومین سناریو این است که ایران به صورت تدریجی و خردخرد به ترور سردار سلیمانی واکنش نشان دهد و به رفتار ایدئال در مقابل آمریکا اکتفا کند. این تقریباً رفتاری است که ایران در موارد مشابه قبلی نیز داشته است. اما نکته‌ای که وجود دارد این است که ترور سلیمانی برای ایران بسیار هولناک بوده و گویا این انتقام‌های حداقلی آرامش‌بخش نیست. در هر حال، مضمون

مقدمات آن هویدا شده است. در وضعیت سوم، ممکن است حتی فضا برای میانجی‌گری نیز فراهم شود. طی روزهای اخیر شاهد تلاش کشورهای مختلف برای تماس با ایران بوده‌ایم که جدی‌ترین آن‌ها عمان و قطر بودند. هرچند طبق اخبار موجود تلاش هیأت عمانی به نتیجه‌ای منجر نشد اما وزیر خارجه قطر تقریباً با همه مقامات سیاسی رده‌بالا به غیر از رهبری دیدار داشت. هرچند در فضای احساسی و غم‌انگیز فعلی نمی‌توان انتظار داشت که این میانجی‌گری‌ها به نتیجه‌ای برسد اما در درازمدت این اتفاق بعید نیست. در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که مناسبات ایران و آمریکا و همین‌طور نظم منطقه‌ای طی هفته‌ها و ماه‌های آینده ارتباط زیادی با سناریوها و وضعیت‌های بالا دارد و این شرایط در پیوستاری از منازعه شدید تا خروج آمریکا از منطقه قابل ترسیم است.

حتی می‌توان با شبیه‌سازی شرایط جاری با شرایط پس از هدف قرارگرفتن ایریاس مسافری ایرانی منتظر نوعی مصالحه نیز بود. با توجه به سناریوهای بالا می‌توان سه وضعیت را برای آینده منطقه پیش‌بینی کرد: در وضعیت نخست که از سناریوی اول نشأت می‌گیرد احتمالاً واکنش شدید ایران به ترور سردار سلیمانی، پاسخ سهمگین آمریکا را در پی خواهد داشت. اگر این وضعیت از کنترل خارج شود و به جنگ منجر شود صحبت از ثبات ملی و منطقه‌ای بلاموضوع شده و باید منتظر دور جدیدی از ناآرامی فرایند در سطح منطقه‌ای و حتی جهانی بود.

در وضعیت دوم که از سناریوی دوم نشأت می‌گیرد و بیش از همه امکان‌پذیر است، ایران برنامه‌های منطقه‌ای خود را عیناً شبیه رویه سردار سلیمانی ادامه خواهد داد. این رویه به معنای تداوم آمریکا‌ستیزی در منطقه است. آمریکا‌ستیزی پایدار برای آمریکا هزینه فرسایشی دارد و در نهایت ممکن است حتی به خروج آمریکا از منطقه نیز منجر شود. واقعه‌ای که اکنون نیز

